

صفحات 49 و 50 : کلیک کنید

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و سوم خارج اصول فقه (دور دوم) 19 دی ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال کردند که مراد شیخ انصاری از انکار استقلال حکم وضعی، در مقام ثبوت است یا اثبات؟ یعنی در عالم واقع، احکام وضعی استقلال ندارند یا در عالم دلالت دلیل استقلال ندارند؟ اگر مراد شیخ صورت دوم باشد اشکال نقضی شما به کلام ایشان وارد نیست.

پاسخ اینکه نظر ایشان به مقام ثبوت است و مقام اثبات در این باره تصور درستی ندارد.

سوال شده که اگر در مراحل حکم، انشاء را به معنای اراده بگیریم، پس چرا حکم را به معنای اعتبار و جعل می گیریم نه اراده مبرزه؟

پاسخ اینکه اولاً ما در مراحل حکم الهی انشاء را قبول نکردیم و در مراحل حکم حکومتی، مرحله انشاء را پذیرفتیم. سوال این باید باشد که اگر در مراحل حکم، مرحله اراده هست، پس حکم را باید به معنای اراده مبرزه گرفت. پاسخ اینکه در مراحل حکم اراده مولا هم هست اما اراده مولى به معنای حکم نیست و فقط یکی از مراحل حکم است. این چند مرحله باید جمع شود تا حکم تشکیل شود.

سوال شده که کتاب های سه گانه شما که فقه و عقل و فقه و مصلحت و فقه و عرف است و دو گانه قردادها را می توان از ابتدای درس خارج خواند یا باید چند سالی از درس خارج بگذرد؟ پاسخ اینکه می توان از ابتدا خواند اما باید دانست که متن آن سخت است در عین اینکه متن آن فارسی است ولی کتابی تخصصی است و باید به صورت مباحثه ای آن را مطالعه کرد. سوال کردند که کتاب ها را به چه ترتیبی بخوانیم؟ پاسخ اینکه ترتیب شرط نیست ولی اولویت هست به همان ترتیبی که تالیف شده است. فقه و عقل، فقه و عرف و بعد فقه و مصلحت. در دو گانه قردادها هم ابتدا ادله عام قرآنی و بعد ادله عام روایی.



ادامه بحث تقیسم حکم به واقعی و ظاهری

سه کار بست برای حکم واقعی و ظاهری بیان کردیم و به کار بست چهارم رسیدیم

مورد چهارم حکم واقعی و ظاهری

در محیط شرع و قانونگذاری کار بست چهارمی داریم و آن جایی است که شرع مقدس یک حکم واقعی را فرض می کند و فرض می کند شما به عنوان مکلف شک دارید و برای زمان شک مکلف و خروج او از تحیر یک دستوری می دهد و یک تکلیفی می دهد که مجعول است و به این مورد نیز حکم ظاهری اطلاق می شود چون در برابر آن حکم واقعی نامکشوف و مجهول است. در اینجا حکم برای زمان شک آمده است نه در مورد شک که برای مورد سوم اطلاق حکم ظاهری بود. در امارات، شک، مورد امارات است و در لسان دلیل نیست اما در این مورد یعنی کار بست چهارم که برائت و استصحاب و دوران امر بین محذورین و تخیر و اصالة الطهارة و اصالة الاباحة و اصالة الحل... در این موارد شک در خود موضوع اخذ شده است. هر کس نمی داند واقع چیست، واقع در حقیق برداشته شده است و او برائت جاری کند. لذا به این موارد هم حکم ظاهری اطلاق می شود. اما باید توجه داشت خود این دستور که فلان جا استصحاب یا برائت جاری کنید، مجعول و حکم واقعی است اما در مورد اجرا که کجا باید استصحاب و برائت جاری شود آن مورد می شود حکم ظاهری.

